

کلاهبرداری در حقوق تطبیقی

مقدمه:

و دکتترین حقوقی آن کشور از نظر تطبیقی بسیار مفید است و چون مقررات راجع به کلاهبرداری در حقوق ایران نیز از قانون فرانسه الگو گرفته است می‌تواند در تشخیص مفهوم آن و مصادیق جدیدی که مورد توجه دکتترین و رؤیه قضائی فرانسه قرار گرفته است، قضات و دانش‌پژوهان رشته حقوق را کمک کند.

کلیات:

۱- مفهوم کلاهبرداری:

کلاهبرداری عبارتست از وادار کردن دیگری به تسلیم مال منقول یا غیرمنقول از طریق حیله و فریب. کلاهبرداری از لحاظ اینکه فعل بر شیئی واقع می‌شود که با رضایت مالک تسلیم فاعل شده است، از سرقت متفاوت است و لکن تسلیم مذکور همراه با حیله و فریب است. در حالی که در سرقت اخذ مال توسط مرتکب با زور صورت می‌گیرد و یا بطور

کلاهبرداری جرمی است که در اثر تحولات اجتماعی پدید آمده در جوامع و ماشینی شدن امور توسعه پیدا کرده است و انتشار آن به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. از نظر تاریخی عنوان (Furtum) در حقوق قدیم رم به معنای سلب مال غیر، شامل سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری می‌شده است. اولین بار عنوان کلاهبرداری (escroquerie) پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۹۱ م با تصویب قانون جزای انقلابی در متون قانونی وارد شد و قوانین سایر کشورها از جمله ایران نیز از مقررات مذکور الگو گرفت. مقاله حاضر ترجمه بخشی از کتاب شرح قانون عقوبات سوریه تألیف آقایان دکتربریاض‌الخانی و دکتربریاض‌الحکیم و از انتشارات دانشگاه دمشق است^(۱) که به لحاظ استفاده از آراء دیوان عالی کشور فرانسه

(۱)- بریاض‌الخانی، جاک یوسف‌الحکیم، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، دانشگاه دمشق، ۵- ۱۴۰۴ هـ.ق. صص

لذا قانون مذکور مناسب دید که رسیدگی به جرم مذکور به دادگاههای حقوقی واگذار شود. اما در قانون مصوب سال دوم انقلاب فرانسه از این نظر عدول شد و صلاحیت رسیدگی به آن را به محاکم بدوی کیفری محول کرد. در عین حال جرم مذکور متأثر از مفهوم مدنی تقلب باقی ماند و شامل اعمال متقلبانه که در معاملات واقع می‌شد نیز می‌گردید. این مفهوم وسیع با مقتضیات مقررات کیفری که شامل مجازات برای تخلفات شدیدی که افراد مرتکب می‌شوند و حیات اجتماعی را در معرض خطر شدید قرار می‌دهند، هماهنگی نداشت و بر همین اساس دیوان کشور فرانسه مبادرت به مضیق کردن مفهوم این جرم کرد و برای تحقق آن ارتکاب ما نور متقلبانه را شرط دانست و باین ترتیب کلاهبرداری از مفهوم قبلی خارج شد.

با تدوین قانون مجازات فرانسه، ماده خاصی به مجازات کلاهبرداری اختصاص یافت (ماده ۴۰۵) و مفهوم جرم محدود گردید، به نحوی که شامل هرگونه حيله‌ای که در معاملات مدنی اجراء می‌شود، نمی‌گردید و به افعال مهمی که انسان عادی را که به امور خود اهتمام می‌ورزد گول بزند اکتفا شد و بر همین اساس مقنن وسائل متقلبانه را که ارتکاب آنها برای تحقق جرم ضروری بود به طور حصری بیان کرد.

فصل اول: ارکان کلاهبرداری

فرع اول - رکن قانونی:

ماده ۶۴۱ قانون مجازات سوریه تصریح به مجازات «هرکس که دیگری را به تسلیم مال

مخفیانه برآن مستولی می‌شود. تسلیم مال مبتنی بر رضایت مالک در کلاهبرداری، آن را به خیانت در امانت نزدیک می‌کند. باین تفاوت که در خیانت در امانت تسلیم مال ناشی از اجرای یک عقد صحیح است که مصادیق آن در قانون به طریق حصری ذکر شده است و امین تصرف غیرقانونی برمال غیر را پس از تسلیم مال به او انجام می‌دهد. در حالی که در کلاهبرداری اجرای حيله و فریب مقدم یا همراه با تسلیم مال است و لازم نیست که ضمن یکی از عقود معین قانونی صورت گیرد تا واجد وصف جزایی گردد. بالاخره کلاهبرداری از لحاظ اینکه هم نسبت به اموال منقول و هم اموال غیرمنقول ممکن است واقع شود با سرقت و خیانت در امانت متفاوت است. زیرا دو جرم اخیر تنها در خصوص اموال منقول واقع می‌شوند.

۲- تحولات تاریخی:

شریعت اسلام برای تحصیل مال غیر، از طریق حيله و فریب مجازات حد سرقت پیش‌بینی نکرده است و آن را در ردیف جرایم مستلزم تعزیر قرار داده است. اما در حقوق قدیم فرانسه مفهوم کلاهبرداری از مفهوم سرقت متمایز بود. جدا شدن دو جرم مذکور با انقلاب فرانسه و تصویب قانون مورخ ۱۹ و ۲۲ ژوئیه ۱۷۹۱ شروع شد. قانون مزبور شامل مجازات کسی که دیگری را از طریق حيله به تسلیم اموالش وادار می‌کرد، می‌شد و صلاحیت اجرای مجازات برای چنین عملی را به عهده محاکم مدنی و نه جزائی قرار داد. توضیح اینکه حيله غالباً در دعاوی مدنی ظاهر می‌شود،

اختلاف نظر در آرای صادره در این مورد شده است. رکن مادی کلاهبرداری شامل دو عنصر متفاوت است که ماده ۶۴۱ آنها را بیان کرده است: اول، تسلیم مال به فاعل. دوم، روشهایی که منجر به این تسلیم می‌شوند.

اول- تسلیم مال:

در تسلیم مال به فاعل، از واقعه تسلیم، مال تسلیم شده و استیلای فاعل برآن بحث می‌شود.

۱- تسلیم

آ- لزوم تلاش برای تحصیل مال

لازم است در جهت تسلیم یکی از اشیاء مذکور در قانون به فاعل اقدامی صورت گیرد. لذا فریبی که در جهت تسلیم مال انجام نشود مشمول عنوان مذکور نمی‌شود. فرقی ندارد که در اثر اقدامات مرتکب تسلیم مال واقع شود یا شروع به انجام اقداماتی شود که مستقیماً به تسلیم مال منجر می‌شوند. زیرا عبارت قانون شامل حالت شروع به جرم مذکور نیز می‌گردد. اما اگر مرتکب در جهت تحصیل مال اقدامی نکرده باشد و طرح او صرفاً در مرحله قصد مجرمانه باقی بماند، جایی برای تعقیب او وجود ندارد. براین اساس رویه قضائی براین نظر است که اقدام بیمه‌گذار به آتش‌زدن اشیاء بیمه شده به قصد مطالبه خسارت تا زمانی که هیچگونه تقاضا یا تلاشی در جهت مطالبه خسارت انجام نشده باشد، به عنوان شروع به کلاهبرداری قابل تعقیب نیست و تنها می‌تواند مجوز تعقیب مرتکب به عنوان حریق عمدی باشد.^(۱)

منقول یا غیرمنقول یا حوالجات یا مفاصاحساب وادار کند و با حیله و تقلب برآن مستولی شود، خواه از طریق انجام مانورهای متقلبانه باشد یا از طریق بیان دروغهایی که توسط شخص ثالث ولو با حسن نیت تأیید شود، یا از طریق اوضاع و احوالی که مجرم مهیا نموده یا از آن استفاده کرده است یا از طریق تصرف در اموال منقول و غیرمنقول با علم به اینکه حق تصرف در آنها را ندارد یا با بکاربردن اسم و صفت دروغی» نموده است. ماده ۶۴۲ حکم به تشدید مجازات در حالات خاص کرده است و ماده ۶۴۳ متعرض جرائم مشابه کلاهبرداری شده، برای آنها مجازات خاص تعیین کرده است. با استفاده از مباحث مطروحه در ابتدای این مواد می‌توان ارکان کلاهبرداری را استنتاج نمود.

فرع دوم- رکن مادی:

روشهای خدعه‌آمیزی که در کلاهبرداری به کار می‌رود به دلیل گستردگی دامنه تفکر بشر در این زمینه و تنوع ارتباطات و روابط مالی که زمینه فریب دادن دیگران و جلب اعتماد آنها را فراهم می‌کند، قابل شمارش نیست. از آنجا که مجرد حیله مرتکب در یکی از اعمال حقوقی فی حد ذاته تشکیل‌دهنده رکن مادی کلاهبرداری نیست، لذا باید صور گوناگون آنرا با دقت فراوان مورد بررسی قرار داد تا معلوم شود حیله جزائی برآن صدق می‌کند و با تعریف قانونی آن منطبق است و این تحقیق تکلیف مهم و سنگینی است که باعث تحول و

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه (بخش جزائی) ۲۷/۵/۱۹۵۹، مجموعه مقررات قانونی دیوان کشور فرانسه، شماره ۲۸۲.

ب - فعل مثبت

تسلیم اقدام مثبتی است که با خارج کردن مال از حیات دیگر واقع می‌شود. مجرد ترک فعل یا مطالبه حق، تشکیل‌دهنده رکن تسلیم نیست. لذا فریبی که موجب بری‌الذمه شدن مدیون توسط دائن شود یا موجب انصراف از توقیف اموال وی گردد یا فریبی که موجب امتناع تاجر از شرکت در یک مناقصه گردد تا برای فاعل مزاحمتی ایجاد نشود، به هر اندازه که بزرگ یا ضرر آن زیاد باشد، کلاهبرداری نیست.

ج - عدم تأثیر هویت گیرنده مال

گرچه ظاهر قانون لزوم تسلیم مال به مرتکب حيله را می‌رساند (زیرا که ضمیر مذکور در عبارت تسلیمه) به فاعل برمی‌گردد و عمل «استیلا» که عنصر دیگری از رکن مادی است هم شامل آن می‌شود) اما از نظر قانون فرقی ندارد که تسلیم مال به خود فاعل یا فرد دیگری صورت گیرد و نیز فرقی ندارد که گیرنده مال در همکاری با فاعل به قصد اضرار به مالباخته حسن نیت داشته یا نداشته باشد. ملاک استیلا بر مال غیر، تحقق آن از طریق خدعه و فریب است، نه استفاده شخص معین از مالی که به طریق مذکور تسلیم شده است. بنابراین با تسلیم مال به وکیل مرتکب یا یکی از بستگان وی یا شخص دیگری که قصد دارد مال را به مرتکب تسلیم کند یا کسی که فاعل به راحتی می‌تواند مال را از او بازپس گیرد،^(۱)

تسلیم تحقق یافته است و در همه این موارد اگر سایر ارکان جرم تحقق یابد، کلاهبرداری تحقق یافته است.

۲- مال

بین کلاهبرداری و خیانت در امانت از لحاظ اینکه در مورد شیء دارای ارزش مالی، خواه عینی باشد یا حوالجاب و مقاصحاسب، واقع می‌شوند؛ فرقی نیست، در حالی که سرقت در مورد يك نامه عادی که فاقد ارزش مادی است نیز واقع می‌شود. ممیز کلاهبرداری از يك طرف و سرقت و خیانت در امانت از طرف دیگر آن است که کلاهبرداری ممکن است نسبت به مال منقول و غیرمنقول و به طور مساوی واقع شود، در حالی که دو جرم دیگر تنها در مورد مال منقول قابل انجام هستند. این تفاوت بخاطر آن است که مجازات کلاهبرداری به خاطر انجام خدعه و فریبی است که مرتکب به کار می‌برد (مشروط به وجود اوضاع و احوال خاص)، در حالی که اساس مجازات سرقت و خیانت در امانت در ربودن مال غیر یا تصرف در آن است و این دو مفهوم همانطور که از مفهوم دو جرم و سیر تحول تاریخی آنها به دست می‌آید، برای اموال منقول بکار می‌روند.

براین اساس در خصوص حقوق مالی بدون آنکه سند مکتوب مثبت‌ه‌ای وجود داشته باشد که به تنهایی قابلیت انتقال مال را داشته باشد، کلاهبرداری قابل انجام نیست. چنانچه

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۴۱/۱۱/۷، مجله ادواری دالوز ۱۹۴۲، ج ۹.
رأی دیوان کشور فراسنه (جزائی)، ۱۹۴۲/۵/۱۲.

نسبت به آن مال است. همچنین عمل شعبده‌بازی که تماشاگران را وادار به تسلیم اموالشان به خود می‌کند تا آنها را پنهان کند یا از بین ببرد و سپس به حالت اولیه برگرداند، کلاهبرداری نیست. البته باید بین این حالت و حالتی که فاعل اساساً قصد سلب حیات مجنی‌علیه را دارد و سپس از قصد خود عدول می‌کند و شیء موضوع جرم را به مالک برمی‌گرداند، فرق قائل شد. زیرا عمل او در این حالت عملاً حیات مجنی‌علیه را نسبت به مال سلب نموده و در نتیجه موجب ضرر او شده است، لذا رجوع فاعل از قصدی که داشته و جبران ضرر وارده، صفت اصلی (مجرمانه بودن) فعل و ارکان جرم را از بین نمی‌برد.

ب- تحصیل مال توسط مالک آن:

شرط ایراد ضرر به مجنی‌علیه، این عنصر را از عنصر تسلیم متمایز می‌گرداند. لذا اگر فاعل با توسل به خدعه مال خود را که در تصرف دیگری است به دست آورد؛ کلاهبردار نیست. این مورد مانند مدیونی است که برای رسیدن به اشیاء توقیفی خود به فریب متوسل می‌شود؛ به اعتبار این که تا زمانی که به موجب حکم نهایی،^(۱) توقیف اموال تثبیت نشده است، مال در مالکیت او باقی است. یا مانند راهنی که برای رسیدن به اموالی که نزد دائن دارد به فریب متوسل می‌شود.^(۲) این مورد با موردی که طلبکار در مقابل طلبش از طریق فریب اموال مدیون را بدست می‌آورد، فرق دارد؛ زیرا در

در مورد خدمات، مانند اینکه کسی با تقلب دیگری را وادار کند کالایی را بدون مزد از جایی بیه جای دیگر منتقل کند، یا با تقلب اجازه قانونی به او داده شود تا مجاز باشد که در یک محل عمومی حاضر شود یا به نفع او در دادگاه شهادت داده شود، کلاهبرداری قابل انجام نیست. این نظر برخلاف قانون آلمان است که این موارد را کلاهبرداری می‌داند.

۳- استیلا

آ- مفهوم استیلا:

قانون مقارن بودن تسلیم مال را با (استیلا برآن) شرط می‌داند. این عبارت در مقابل واژه فرانسوی "escroquer" است که در مفهوم آن وصف حيله مقرون به عمل استیلا وجود دارد. ملاک خروج مال از حیطه مالکیت مالباخته و انتقال آن به غیر آن است که در نتیجه فریب انجام شده علیه او باشد و قبلاً گفتیم که شرط نیست مرتکب، مالی را که مالک آن را به تسلیم فریب داده یا خود تصرف کرده، تملك کند. لذا این عنصر از رکن مادی در ضرر بعدی مالباخته بر خارج شدن مال از مالکیت وی تجلی می‌یابد، نه در نفعی که در نتیجه ارتکاب جرم عاید فاعل می‌شود. براین اساس هنگامی که فعل ارتكابی هیچگونه ضرری به مجنی‌علیه وارد نکرده باشد جرمی واقع نشده است. لذا فریب دادن دیگری به تسلیم مال به قصد اعاده فوری آن، کلاهبرداری نیست. زیرا چنین فعلی فاقد قصد محروم کردن مجنی‌علیه از حیات

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزایش) ۱۸۹۷/۱۱/۵.

(۲)- رأی محکمه استیناف فرانسه، ۱۹۰۸/۸/۱۲، سیریه، ۱۹۰۸، ج ۲۰، ص ۲۶۸.

ایجاد می‌شود باید مادی باشد، نه معنوی. برای این منظور مقنن جرم مذکور را نسبت به اموال یا حوالات یا مفاصاحساب محدود کرده است. برای مثال تحصیل مدارکی برای ترساندن کسی (اخاذی) یا تحصیل ادله‌ای علیه او در دعوی طلاق، کلاهبرداری به حساب نمی‌آید.

البته اجتماع عناصر مذکور جهت تحقق رکن مادی جرم کلاهبرداری کافی نیست، بلکه باید تسلیم ناشی از اعمال متقلبانه مرتکب به یکی از طرق مذکور در قانون باشد.

ثانیاً - علت تسلیم - مانورهای متقلبانه
قانونگذار فرانسه خدعه را تنها در صورتی که به یکی از طرق زیر انجام شود از عناصر تشکیل‌دهنده کلاهبرداری دانسته است: (به کار بردن اسم یا صفت مجعول یا دسیسه‌سازی که مانورهای متقلبانه گفته می‌شود.) با این وجود مقنن به صرف وجود مانورهای متقلبانه اکتفا نکرده است بلکه وجود انگیزه‌های معینی را به نحو حصر شرط دانسته است که عبارتند از: ایجاد اعتقاد به وجود مؤسسات موهوم یا داشتن اختیارات و اعتبارات موهوم یا امیدوار کردن به یک موفقیت موهوم یا ترساندن از پیشامدهای موهوم. اما قانونگذار سوریه در صورت تحقق خدعه از هر دو طریق، بدون اینکه انگیزه‌هایی که مقنن فرانسوی برای تحقق کلاهبرداری شرط کرده است را مورد توجه قرار دهد، عمل را قابل تعقیب دانسته است. علاوه بر طرق مذکور مقنن سوریه

این حالت او اموالی را از تصرف مدیون خارج می‌کند که همچنان در ملکیت مدیون باقی است.

ج - عدم تأثیر میزان ارزش مال در تحقق جرم:

ملاك تحقق ضرر، خارج شدن اموال از حيازت مجنی‌عليه است نه قیمت آنها و آنچه از مبادله آنها به دست می‌آید. لذا بايع^(۱) و مشتری^(۲) که به وسیله مانور متقلبانه رضایتشان منتفی شده است، اگرچه وجه پرداختی معادل قیمت مبيع باشد می‌توانند ادعای کلاهبرداری کنند. کسی که از طریق حيله و فریب استقراض می‌کند نیز هرچند از ملائت برخوردار باشد و قصد پرداخت آن را هم داشته باشد، کلاهبردار به حساب می‌آید.

د - عدم تأثیر مشروعیت حيازت در تحقق جرم:

مشروع بودن تصرف مجنی‌عليه در مال موضوع جرم یا مشروع بودن انگیزه او از انجام معامله‌ای که در اثر فریب انجام داده است، شرط تحقق جرم نیست. لذا کسی که به قرض دادن ربوی یا پرداخت مبلغی در مقابل خرید سکه‌های ممنوع‌المعامله یا خرید کالا از بازار سیاه به قیمت بیش از ارزش قانونی فریب داده می‌شود، متضرر از کلاهبرداری تلقی می‌شود و علی‌رغم تلاش وی برای کسب نامشروع ادعایش پذیرفته می‌شود.

ه - عدم تأثیر ضرر معنوی در تحقق جرم:
ضرری که در اثر از بین رفتن تصرف

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۴۹/۱۲/۲۹، مجله علوم جنایی، ۱۹۵۰، ص. ۴۲۰.

(۲) - رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۵۲/۱/۶، دالوز ۱۹۵۲، ص ۱۵۲، مجله علوم جنایی، ۱۹۵۲، ص. ۳۱۱.

تا اینکه به امور خلاف واقع و موهوم مورد ادعای فاعل ظاهر حقیقی و واقعی بخشد. در اغلب موارد فریب منحصر به عمل واحدی نیست، بلکه دربرگیرنده اوضاع و احوال خارجی است که به ادعای فاعل جنبه واقعی و مادی می‌دهد. اجتماع این شرایط است که منجر به واقعی نشان دادن ادعاهای مذکور می‌شود، همان‌گونه که کارگردان سینما صحنه‌های فیلم را آماده می‌کند. این نظر آن چیزی است که رویه قضائی غالباً علت اساسی مانورها تلقی می‌کند.^(۲) فریب باید همراه با اقدامات مثبت صورت گیرد؛ لذا ترک فعل یا امتناع از بیان حقیقت یا سکوت در مقابل امری که به او نسبت داده شده، تشکیل‌دهنده رکن مادی کلاهبرداری نیست؛ اگرچه نسبت به وادار کردن مجنی‌علیه به تسلیم مال مؤثر باشد. براین اساس مجرد دروغ تشکیل‌دهنده رکن مادی کلاهبرداری نیست. زیرا قانونگذار تا زمانی که فریب همراه با اعمال عمدی که تعیین‌کرده است، نباشد؛ مجازات نمی‌کند. اگرچه وجود این اعمال نشان‌دهنده مقدار معینی از حالت خطرناک است. لذا باید دروغ همراه با یک عمل مادی یا تظاهر خارجی باشد که منجر به تصدیق و پذیرش آن گردد تا این که به عنوان مانور به حساب آید و از این قبیل است موارد زیر:

- ارائه یک کیف پر از اوراق بی‌ارزش به مجنی‌علیه برای ایجاد اعتقاد به ملائت فاعل یا

راههای دیگری را هم افزوده است که دکترین و رویه قضایی فرانسه آنها را داخل در مفهوم مانور متقلبانه یا اتخاذ صفت مجعول ندانسته است؛ درحالی که قانون سوریه این مورد را صراحتاً مصداق کلاهبرداری دانسته است. واقعیت این است که مانورهای متقلبانه نشان‌دهنده مفهوم اساسی فریب در کلاهبرداری است که روشهای خدعه‌آمیز دیگر هم از این معنا نتیجه می‌شود.

مجرد به کار بردن فریب به یکی از طرق مزبور کلاهبرداری تلقی نمی‌شود، بلکه باید به کاربردن این وسائل عملاً منجر به تسلیم مال موردنظر فاعل گردد، بنابراین اگر به کاربردن اسم مستعار، هرچند مجنی‌علیه نسبت به آن جاهل باشد، هیچ تأثیری در جهت وادار کردن وی به تسلیم مال^(۱) یا به اشتباه افتادن درخصوص هویت فاعل نداشته باشد، قابل تعقیب نیست. به این دلیل راههایی که مرتکب پس از تسلیم شیء به آنها متوسل می‌شود مادام که فریب قبل از تسلیم مال به کار گرفته نشده باشد، معتبر نیستند. ذیلاً به توضیح هر یک از روشهای متقلبانه‌ای که مقنن بیان کرده است می‌پردازیم:

۱- مانورهای متقلبانه:

اغلب اعمال موردنظر در کلاهبرداری مانورهای متقلبانه هستند و منظور از آن انجام اقدامات نمایشی است که فریب رابه صورت محسوس نشان داده، به آن صورت مادی دهد

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۹۵۶/۷/۲۲، رأی محکمه استیناف، ۱۸۷۲/۳/۲۲.

(۲)- رأی محکمه استیناف، ۱۸۸۰/۲/۲۷، سیریه، ۱۸۸۰، ج ۲۰، ص ۲۶۱.

اموال لازم برای تأسیس آن از طریق افتتاح دفاتر بزرگی که نشان‌دهنده ثروت او باشد یا خرج کردن افراطی به منظور ایجاد نمایش دروغی حاکی از تمکین مالی شرکت.

- تأسیس شرکت و تأمین سرمایه آن از طریق دست بردن در میزان سهام شرکت بدون اینکه عملاً قیمت سهام به حد نصاب رسیده باشد.^(۵)

- زیاد جلوه دادن وسائل و فعالیتهای اولیه شرکت به منظور اغوای مردم به سپردن سرمایه خود به آن شرکت.^(۶)

- توزیع سود موهوم برای تأمین هدف شرکت در تحصیل اموال یا منافع معین.^(۷)

- اعلام تضمین‌های موهوم برای اسنادی که شرکت صادر می‌کند.^(۸)

اغلب این مانورها از طریق ارائه مدارک جعلی یا دروغی صورت می‌گیرد. اگرچه ارائه مدارک دروغی فی‌نفسه چیزی بیش از مجرد دروغ کتبی نیست، اما همراه بودن آن با حیل‌های دیگر یا دخالت شخص ثالث تشکیل‌دهنده رکن مادی کلاهبرداری است. مانند:

- ارائه يك نوشته پستی که نشان‌دهنده

تسليم يك شی بی‌ارزش به عنوان گرو.^(۱) این دو مصداق به عنوان سرقت به روش آمریکائی نامیده شده‌اند که قبلاً توضیح دادیم که سرقت نیست بلکه کلاهبرداری است.

- ارائه يك اسکناس برای خرید کردن آن و فرار کردن به محض وصول معادل آن، خواه مرتکب اسکناس را نگهدارد یا آن را تبدیل به يك اسکناس کم‌ارزشتری نماید.^(۲)

- تظاهر به وقوع حریق یا سرقت اشیاء بیمه شده و گزارش به شرکت بیمه و تقدیم شکایت به پلیس برای جبران خسارت وارده توسط شرکت بیمه.^(۳)

- بردن مال مردم از طریق ادعای توانائی احضار ارواح یا انجام اعمال جادویی در يك جو و مراسم کهنه برای ایجاد تصور داشتن قدرت غیرواقعی برای فاعل.

مخفی کردن بخشی از يك تعهد هنگام عرضه آن جهت امضاء به دیگری به نحوی که حقیقت آن تعهد مشخص نباشد.^(۴) اینگونه اعمال بیشتر هنگام تأسیس و اداره شرکتها علی‌الخصوص شرکت‌های واهی صورت می‌گیرد. مانند:

- تأسیس يك شرکت موهوم و تحصیل

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۵۳/۱۱/۲۶، دالون، ۱۹۵۴، ص ۴۴.

(۲)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۲۳/۵/۲، روزنامه کاخ دادگستری فرانسه، ۱۹۲۳، ج ۲، ص ۴۴۷.

(۳)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۲۱/۶/۱۹، دالون، ۱۹۲۱، ص ۳۹۸، ۱۹۲۳/۱/۱۴، دالون، ۱۹۲۴، ج ۱، ص ۲۳.

(۴)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۵۹/۱۱/۲۴.

(۵)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۵۰/۱/۱۲، Jurnal des societes، ۱۹۰۵، ص ۳۰۱.

(۶)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۲۸/۵/۱۰، Jurnal des societes، ۱۹۲۸، ص ۶۵۳.

(۷)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۳۵/۲/۲۲، Jurnal des societes، ۱۹۳۵، ص ۴۹۲.

(۸)- رأی محکمه استیناف، ۱۹۲۲/۱۳/۲، روزنامه کاخ دادگستری فرانسه، ۱۹۲۳، ج ۲۰، ص ۱۲۳.

وجود يك حساب کلان برای فاعل نزد یکی از بانکهاست.^(۱)

- ارائه فاکتور تقلبی به شرکت بیمه جهت دریافت خسارت يك حادثه.^(۲)

- ارائه گواهی پزشکی دروغی.^(۳)

ملاحظه می‌شود که تعریف سند مذکور در صورتی که برای اثبات وقایع و اظهارات تعریف شده مورد استفاده قرار گیرد، یعنی متضمن عقد یا تعهد یا ابراء باشد، تشکیل‌دهنده جرم جعل است. اما در صورتی که سند مذکور دلیلی بر وجود حق یا مبنایی برای آن نباشد، تعریف آن جعل نیست و ارائه آن استفاده از سند مجعول به حساب نمی‌آید. مانند ارائه فاکتورهای تقلبی که صرفاً بدون اینکه مبنایی برای يك تعهد باشد به عنوان يك اطلاق تلقی می‌شود.^(۴) لذا در صورتی که جعل یا استفاده از سند مجعول ثابت شود فعل مزبور تعدد معنوی است که مستلزم مجازات اشد است.

۲- دروغ همراه با تأیید شخص ثالث یا اوضاع و احوالی که فاعل برای دروغ ایجاد کرده یا از آن استفاده کرده است.

دروغ به تنهایی تشکیل‌دهنده مانورهایی که تشکیل‌دهنده رکن مادی کلاهبرداری است، نمی‌باشد؛ مگر همراه با تأیید شخص ثالث یا اوضاع و احوالی باشد که فاعل برای آن ایجاد

کرده یا از آن استفاده کرده است. رویه قضایی فرانسه این نظر را پذیرفته است و آنرا یکی از حالات مانورهای متقلبانه به حساب آورده است؛ اما قانون سوریه رویه مزبور را به صورت ماده مستقلی در ماده ۶۴۰ پیش‌بینی کرده است. گرچه ماده قانون فرانسه در این مورد مقرر می‌دارد: احتجاجات دروغی که شخص ثالث ولو با حسن نیت آن را تأیید کرده یا اوضاع و احوالی که مجرم ایجاد کرده یا از آن استفاده کرده است،^(۵) اما ترجمه آن به عربی این معنا را از بین برده است و اوضاع و احوالی که فاعل زمینه آنرا فراهم کرده یا از آن سوءاستفاده کرده را از دروغی که این اوضاع و احوال آن را تأیید نموده، تفکیک کرده است و صرف وجود اوضاع نیست. همچنین اگرچه صدور سند علیه شخص موهم مانور متقلبانه است ولیکن ذکر اسم شخص مذکور به عنوان کسی که سند علیه او صادر شده به معنای تأیید دروغهای صادرکننده سند توسط او نیست. مانند این که کسی يك سند تجاری را بنام شرکتی ارائه دهد بدون اینکه از طرف شرکت حق امضاء داشته باشد.^(۶)

- صف غیر:

شرط است که دیگری به اسم خود و نه به عنوان وکالت از طرف فاعل و بدون اظهارات

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۸۸۰/۱۱/۱۱، سپریه، ۱۸۸۱، ج ۱، ص ۳۲۶.

(۲)- رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۳۶/۳/۲۲، سپریه، ۱۹۳۶، ج ۱، ص ۹۰.

(۳)- رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۳۵/۶/۱۸، سپریه، ۱۹۳۶، ج ۱، ص ۹۲.

(۴)- رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۲۸/۱۲/۲۰، سپریه، ۱۹۳۰، ج ۱، ص ۳۵۷.

(۵)- ترجمه عبارت فرانسوی آن به این مفهوم است: «روایت و احتجاجات دروغ که وسیله شخص ثالث تقویت بشود حتی اگر با حسن نیت یا اوضاع و احوالی باشد که مجرم ایجاد می‌کند تا از آن بهره ببرد».

(۶)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۹۳۲/۷/۲، سپریه، ج ۱۰، ص ۷۶.

بدون علم به دروغ بودن ادعای او، آنرا با حسن نیت تأیید می‌کنند، اگرچه در اثر عدم هوشیاری آنها باشد، آشکار و احوال مذکور را یکی از صور به کار بردن حيله قرار داده، آن را بصورت زیر بیان کرده است:

«هرکس دیگری را وادار کند.»

با توسل به فریب و تقلب.»

یا با بکار بردن دروغی که شخص ثالث ولو از روی حسن نیت آن را تأیید کند.
یا شرایطی که مجرم مهیا کرده یا از آن استفاده نموده باشد.»

باتوجه به اینکه اوضاع و احوال مذکور به هر اندازه که برای استفاده از آن مهیا شده یا مورد استفاده قرار گرفته باشد، مادام که همراه با دروغهایی که عنصر فریب را در کلاهبرداری تشکیل می‌دهد که اوضاع و احوال مذکور نمود خارجی یا شکل مادی آن است و مجنی‌علیه را به صحت ادعای دروغ متقاعد می‌کند، نباشد تشکیل‌دهنده فریب یا کلاهبرداری نیست. سیاق ماده به نحو مذکور با اراده مقنن و با ابتدائی‌ترین مبادی حقوق مخالف است و احتیاج به اصلاح دارد.

آ- تأیید شخص ثالث

دخالت شخص ثالث که ادعای دروغی فاعل را ولو با حسن نیت تأیید می‌کند، نمود خارجی که موجب پذیرش ادعای فاعل و فریب

شخصی^(۱)، دروغهای فاعل را تأیید کند. براین اساس مستخدمین فاعل با علمی که از طریق کارکردن نزد فاعل تحصیل می‌کنند و سخنان فاعل را تأیید می‌کنند، (غیر) محسوب نمی‌شوند.^(۲)

- اسناد صوری:

در بسیاری از موارد، فاعل از طریق ارائه اسناد صوری علیه شخص غیرمتمکن یا شخصی که اساساً قصد پرداخت وجه سند را ندارد، مالی به دست می‌آورد. ارائه چنین سندی بیانگری يك واقعه دروغی است که عبارتست از وجود دارائی نزد کسی که سند علیه او صادر شده است. رؤیه قضایی جدید فرانسه صدور چنین سندی را فی‌نفسه چیزی جز دروغ محض نمی‌داند. تا زمانی که همراه با تأیید شخص ثالث که ادعای پرداخت وجه آنرا می‌کند نباشد، مجالی برای تعقیب مرتکب وجود ندارد.^(۳)

- حسن نیت شخص ثالث:

اگر شخص ثالث که ادعای فاعل را تأیید می‌کند به خلاف واقع بودن آن و هدفی که موردنظر وی است عالم باشد، معاون جرم کلاهبرداری است. اما اگر نسبت به هدف فاعل جاهل باشد یا حسن نیت داشته باشد، رابطه‌ای بین او و جرم مذکور وجود ندارد. به این لحاظ مهارت فاعل در کمک گرفتن از اشخاصی که

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۴/۵/۱۸۹۷، دالوز، ۱۸۹۸، ج ۱، ص ۶۴.

(۲)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۵/۱۱/۱۹۳۶، دالوز، ۱۹۳۷، ص ۲۱.

(۳)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۶/۲/۱۹۳۲، دالوز، ج ۱، ص ۴۶.

رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۲۱/۷/۱۹۴۲، سیریه، ۱۹۴۲، ج ۱، ص ۷۶.

ب - فراهم کردن شرایط یا استفاده از آن:

گاهی ممکن است تقارن دروغ با شرایط خارجی که فاعل فراهم یا از آن استفاده می‌کند به آن ظاهری حقیقی بدهد و موجب اعتقاد مجنی‌علیه به صحت آنها گردد. شرایط مذکور عبارتند از: تشابه اسمی و آن حالتی است که فاعل اسم متعلق به دیگری را به کار نمی‌برد، زیرا این عمل خود مصداق مستقلى از به کار بردن حيله است؛ بلکه از تشابه اسمی خود با دیگری، مجنی‌علیه را در مورد هویت خود به اشتباه می‌اندازد و به این طریق ادعای دروغ خود را تأیید می‌کند. مانند این که مرتکب از تشابه اسمی استفاده کند و مجنی‌علیه را متقاعد کند به این که او همان فرد متمکنی است که سند علیه او صادر شده است. (۴) یا مانند کسی که همان عمل را در خصوص ضامن سند انجام می‌دهد. (۵) گاهی هدف مرتکب از اقداماتی که انجام می‌دهد آن است که ادعا کند مالک اموالی است که به وی سپرده شده است (در این صورت حالست مستقلى از حالات مانورهای متقلبانه است) تا موجب توهّم مجنی‌علیه به داشتن ثروت و موقعیت اجتماعی گردد و از این طریق دروغهایی که علیه او به کار برده است تأیید شود. مانند اینکه از

مجنی‌علیه می‌گردد را تشکیل می‌دهد و فعل مرتکب را دارای چنان خطری می‌کند که مستوجب مجازات گردد. تأیید شخص ثالث ممکن است شفاهی یا کتبی (مانند ارائه گواهی یا سندی که توسط دیگری ساخته شده)، تبرعی یا با درخواست مرتکب باشد؛ کما اینکه ممکن است شخص ثالث يك شخص حقیقی یا موهوم باشد.

- شخص موهوم:

گرچه براساس رویه قضایی فرانسه نسبت دادن احوال و اسناد به شخص موهوم تشکیل‌دهنده مانورهای متقلبانه است، لیکن برحالتی که ما در مقام بیان آن هستیم تطبیق نمی‌کند. زیرا مقنن سوری تأیید شخص ثالث را به گونه‌ای شرط دانسته است که انجام آن توسط شخص موهوم ممکن نیست. لذا ارائه نوشته‌های منتسب به شخص موهوم تشکیل‌دهنده مانور است. (۱) ولیکن این نوشته‌ها به منزله تأیید دروغها توسط شخص ثالث تلقی می‌شود. (۲) مانند کسی که دیگری را وادار می‌کند مبلغ هنگفتی را به وی بپردازد تا موجب شود مجنی‌علیه برخلاف واقع تصور کند که این مبلغ ثمن کالای موهومی است که کلاهبردار فروخته است و برخلاف واقع اعتقاد به تاجر بودن او پیدا کند. (۳)

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۹۴۷/۷/۲.

(۲) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۵۵/۴/۲۷، دالوز، ۱۹۵۵، ص ۴۵۵.

(۳) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۸۸۰/۱۱/۱۱، ۱۸۸۰/۸/۲۰، سیریه ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۳۶.

(۴) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۸۶۲/۱۱/۱۹، سیریه ۱۸۸۱، ج ۱، ص ۴۳۶.

(۵) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۲۴/۷/۱۹، روزنامه کاخ دادگستری، ۱۹۲۴، ج ۲، ص ۲۲.

فاعل عملاً در اقناع طرف به صحیح بودن ادعای دروغی مؤثر واقع شود. اما اگر شرایط مذکور در تسلیم مال مؤثر واقع نشود، صرف دروغهایی که به کار برده است مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مانند وکیل دادگستری که بدون به کار بردن تقلب یا استفاده از وضعیت موجود، حق الوکاله بیشتری از تعرفه قانونی مطالبه می‌کند.^(۲) گاهی اوقات فاعل از وضعیت جسمانی یا روحی طبیعی یا ساختگی برای تأیید دروغهایش استفاده می‌کند. مانند این که با سوءاستفاده از آسیب غیرواقعی که خود به یکی از اعضایش وارد کرده، در حالی که ثروتمند است، ادعای فقر و تنگدستی کند.

این دو حالت، همان شرایطی است که تقارن آنها با دروغ به عنوان مانور متقلبانه به حساب می‌آیند. اگر دروغ به صورت مجرد از این دو حالت واقع شود مانع آن است که رکن کلاهبرداری به حساب آید. مانند کسی که برای مطالبه اجور خدمات یا ثمن اجناس فروخته شده فاکتورهای جعلی بسازد (اگر فاکتورها از جانب دیگری صادر شده باشد به منزله تأیید دروغها توسط شخص ثالث است) یا برای زیاد جلوه دادن ارزش معاملات تجاری خود ترازنامه غیر واقعی ارائه دهد یا ادعای داشتن ثروت یا پول کند و الی آخر. لذا تعامی این افعال مادام که با یک شرایط خارجی که فاعل

نشستن در داخل اتوموبیلی که در اصل راننده آن بوده یا بودن در منزل یا دفتری که در آنجا کار می‌کند، استفاده کند و چنین وانمود کند که مالک آنهاست.

گاهی فاعل با سوءاستفاده از شغل خود، از اعتمادی که در اثر آن کسب کرده برای تأیید دروغی که به کار برده است، استفاده می‌کند. سوءاستفاده از به کار بردن صفت حقیقی در این حالت با استفاده از صفت دروغی فرق می‌کند. به اعتبار اینکه در سوءاستفاده از عنوان شغلی صفتی که فاعل برای تأثیر سخنانش از آن استفاده می‌کند دروغی نبوده بلکه یک صفت واقعی است که با سوءاستفاده از آن برای قانع کردن طرف به صحت ادعاهای دروغی‌اش استفاده می‌کند. مانند پزشکی که صورت حسابهای متضمن ادعاهای دروغ شامل معاینه و اعمال جراحی موهوم که به دروغ ادعای انجام آنرا می‌کند به شرکت بیمه ارائه می‌دهد و تقاضای پرداخت حق الزحمه آنها را می‌نماید^(۱) و یا سردفتری که از اعتبار و اعتماد حاصل از شغل خود برای فریب مراجعه‌کنندگان سوءاستفاده می‌کند و آنها را متقاعد می‌کند که اموالشان را به اوبسپارند^(۲) و یا دندانپزشکی که از مشتریان خود مقداری طلا برای استفاده در یک عمل جراحی موهوم می‌گیرد.^(۳)

در این حالت باید موقعیت ناشی از شغل

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۹۳۶/۳/۲۶.

(۲)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۹۳۶/۵/۲۵.

(۳)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۹۳۶/۱/۱۰، دالوز، ۱۹۳۶، ص ۱۵۱.

(۴)- رأی دیوان کشور فرانسه، (جزائی)، ۱۹۵۳/۱/۸.

می‌برد، استفاده از آن تشکیل‌دهنده مانور متقلبانه نیست. برای رسیدگی به ادعای اسم مجعولی که مؤثر در دعوی احتیال است، محاکم کیفری صالح به رسیدگی هستند.

ب - صفت مجعول، ویژگی مخصوص کسی یا عنوانی است که فرد به حکم حالت شخصی یا موقعیت اجتماعی یا شغلی خود از آن برخوردار است. وقتی که فاعل برای گول‌زدن و متقاعد کردن دیگری به تسلیم مال صفت مجعولی اتخاذ می‌کند، این واقعه یکی از عناصر خدعه مورد نیاز در کلاهبرداری را تشکیل می‌دهد. موارد زیر از مصادیق به کار بردن صفت دروغی که مربوط به موقعیت شخصی مرتکب است، می‌باشد: ادعای برخلاف واقع مبنی بر تأهل یا مجرد، ادعای دوست دختر درخصوص اینکه همسر قانونی است،^(۱) ادعای يك شهروند به اینکه اجنبی است یا بالعکس یا ادعا کسی مبنی بر اینکه از ساکنین فلان شهر است برای مطالبه حقوقی که مختص اهالی آن شهر است.^(۲)

گاهی صفت دروغی نسبت به شغل فاعل است. مانند انتساب صفت کارمند رسمی برای ایجاد اطمینان در مجنی‌علیه^(۳) (گاهی همین عمل با تحقق شروط مندرج در ماده ۲۸۲ جرم جنبه‌ای غصب مشاغل عمومی را تشکیل می‌دهد) یا اتخاذ عنوان وکیل، تاجر یا

برای آنها مهیا کرده. یا از آن استفاده نموده یا به مداخله شخص ثالث منجر شده و نیز تا جایی که افعال مذکور با به کار بردن اسم یا صفت مجعول که تشکیل‌دهنده حالت دیگری از حالات مانورهای متقلبانه است، همراه نباشد، از مجرد دروغ فراتر نمی‌رود.

۳- اتخاذ اسم یا صفت خلاف واقع

در این حالت نیز باید فعل مثبت انجام شود و منجر به فریب مجنی‌علیه و وادار کردن او به تسلیم مال به فاعل شود. لذا اگر ادعای اسم مستعار یا صفت جعلی نکند و مجنی‌علیه درخصوص اسم یا صفت او به اشتباه بیفتد و وی از تصحیح اشتباه مذکور امتناع کند و مالی که به عنوان صفت مذکور به او تسلیم شده است را قبول کند، کلاهبردار نیست.^(۱)

آ - اسم مستعار ممکن است اسم موهوم یا واقعی باشد و گاهی متعلق دروغ نام‌خانوادگی و زمانی اسم کوچک است. (اگرچه رویه قضایی درخصوص استعمال اسم کوچک دیگری به دلیل اینکه به طور معمول تأثیر چندانی در اراده دیگران ندارد، گرایش به اغماض و مسامحه دارد.) همچنین گاهی موضوع دروغ اسم مستعاری است که دیگری برای خود انتخاب کرده است. مانند اسم مستعار سازنده فیلم یا يك ستاره سینمایی و امثالهم. اما اگر اسم مستعاری باشد که فاعل برای خود به کار

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۹۱۲/۱/۲۲، دالوز، ۱۹۱۲، ج ۱، ص ۲۴۶.

(۲) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۸۶۷/۸/۸، سیریه، ۱۸۶۸، ج ۱، ص ۳۳۹.

(۳) - رأی محکمه استیناف، ۱۹۵۵/۱۰/۱۰، مجله علوم جنائی، ۱۹۵۶، ص ۳۲۷، بورزا.

(۴) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۹۳۲/۱۱/۲۶.

مرتکب مبنی بر اینکه، مالک مالی است یا از دیگری طلبکار است، از نظر رویه قضایی فرانسه به عنوان انتساب صفتی که تشکیل دهنده حیلۀ لازم در کلاهبرداری است به حساب نمی‌آید. این امر موجب توجه قانونگذار سوریه برای وضع ماده خاصی که حالت معینی از فعل مزبور را شامل شود، گردیده است.

۴- تصرف اموال بدون داشتن حق

تصرف در آنها

این حالت عبارت است از تحصیل مال توسط مرتکب در اثر تصرف در اموال منقول یا غیرمنقولی که می‌داند حق تصرف در آنها را ندارد. شرط دوم در مورد قصد فاعل است. اما شرط اول آن است که فاعل در آن مال تصرف نماید. بنابراین اگر برای ایجاد اطمینان به اینکه دارای ثروت و منزلت اجتماعی است به اتخاذ صفت (مالک بودن) اکتفا کند یا به تصرف در اموال دیگر خود که در ملکیت اوست، غیر از اموالی که ادعای مالکیت آنها را دارد، اکتفا کند، جایی برای تعقیب او به عنوان کلاهبرداری باقی نمی‌ماند.

براین اساس عمل مؤجر ملکی که به‌رغم انتقال مالکیت محصول زمین مذکور به مستأجر، محصول آن را سلف‌فروشی کرده و

صنعتگر؛^(۱) چنانچه گاهی به صورت عنوان اشرافی یا عملی مانند مدرک دانشگاهی صورت می‌گیرد.^(۲) لازم است صفت دروغی مبتنی بر یک خصوصیت یا صفت ملازم با شخص باشد. رویه قضایی ادعای بلوغ از طرف صغیر در حالت صغر^(۳) یا داشتن محل اقامت دروغی یا داشتن سفارش از طرف دیگری را اتخاذ صفت کاذب نمی‌داند.

لازم است در حکم محکومیت محکمه،

ماهیت اسمی که مرتکب به خود نسبت داده یا صفتی را که ادعا کرده، معین شود. با این وجود در مواردی که متعلق دروغ یک صفت یا شخصیت حقوقی است، رویه قضایی واحدی وجود ندارد. رویه قضایی ادعای فاعل مبنی بر داشتن وکالت از طرف دیگری را فریب موردنیاز برای تحقق کلاهبرداری می‌داند. مانند بانکداری که با ادعای وکالت از طرف شرکاء، خود را مجری تصمیمات آنان معرفی می‌کند و وجوه دریافتی را به حساب شخصی واریز می‌کند و براین اساس اموالی را به دست می‌آورد.^(۴) یا شخصی که از طرف دیگری ادعای وکالت می‌کند یا مدعی انجام کار برای او است تا بنام او قرض بگیرد؛ هرچند سابقاً دارای چنین صفتی هم بوده باشد ولی بعد از عزل از آن استفاده می‌کند.^(۵) اما ادعای برخلاف واقع

(۱)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۸۹۸/۶/۲۵، دالوز، ۱۸۹۹، ج ۱، ص ۱۲۶.

(۲)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۵۶/۱۰/۲۳.

(۳)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۳۵/۳/۲۱، دالوز، ۱۹۳۵، ص ۲۲۹.

(۴)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۳۵/۱/۲۵، دالوز، ۱۹۳۵.

(۵)- رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۸۶۸/۹/۹، سپریه، ۱۸۷۰، ج ۱، ص ۱۸۱.

حقیقت مرتکب يك خطای غیر عمدی شود، مانند اینکه فروشنده بلیهای بخت‌آزمایی اوراقی را که هنوز بدست نیاورده، بدون اینکه قصد تصرف در مالی که نزد او نیست را داشته باشد بفروشد، کلاهبردار نیست.^(۲)

براین اساس کسی که مدعی مداوای دیگری با وسایل غیرعلمی است، در حالی که واقعاً معتقد به داشتن توانایی مداوای مریض است، کلاهبردار نیست، اما اگر سوءنیت داشته باشد و ثابت شود که شخصاً نسبت به مداوای مرض از طریق وسایلی که استفاده می‌کند معتقد نیست؛ کلاهبردار است.

۲- قصد استیلا بر مال غیر:

لازم است فاعل با به کار بردن مانورهای متقلبانه، مجنی‌علیه را متقاعد کند که از تصرف برمال خود صرف‌نظر کند.

آ- قبلاً گفتیم اگر فاعل مجنی‌علیه را به تسلیم مال متقاعد کند، اما نه برای اینکه او را از تصرف آن محروم کند، بلکه قصد اعاده فوری آنرا داشته باشد، کلاهبردار نیست.

ب- توسل مالک به تقلب برای خارج کردن مال خود از دست دیگری کلاهبرداری نیست، زیرا دیگری را از مال خود محروم نکرده است و دارای عنصر استیلا برمال غیر که قانون آنرا از عناصر کلاهبرداری قرار داده، نیست.^(۳)

وجه آنرا می‌گیرد و نیز استفاده از اسناد یا سهامی که در وجه حامل بوده و نزد فاعل سپرده شده‌اند، کلاهبرداری به حساب می‌آیند. این روشها، طرق حصری فریب هستند که انجام آنها برای تحقق رکن مادی کلاهبرداری لازم است و بعد از این به بررسی قصد مجرمانه می‌پردازیم.

فرع سوم - رکن معنوی:

کلاهبرداری جرم عمدی است و باید فاعل نسبت به عناصر مختلف آن عالم باشد. لازم است بدانند حیل‌های ارتكابی توسط او مخالف واقع است و هدفش از به کار بردن حیل متقاعد کردن مجنی‌علیه به تسلیم مال به وی باشد. اگرچه تحقق رکن مادی کلاهبرداری خالی از ابهام و پیچیدگی نیست، ولی ثبوت قصد مجرمانه به خاطر واضح بودن اهداف فاعل از افعالی که انجام می‌دهد مشکل خاصی بوجود نمی‌آورد.

۱- علم به متقلبانه بودن وسیله:

لازم است مرتکب به غیرواقعی بودن صفتی که اتخاذ کرده یا ظاهر سازیهائی که انجام داده، عالم باشد. لذا کسی که اسم دیگری را به اعتقاد اینکه مجاز در به کار بردن آن بوده است، استعمال می‌کند، کلاهبرداری نیست.^(۱) همچنین اگر فاعل در بیان يك واقعیت برخلاف

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۸۵۵/۱/۲۰، سیریه، ۱۸۵۵، ج ۱، ص ۲۸۴.

رأی محکمه استیناف، ۱۹۱۱/۲/۱۷، سیریه، ۱۹۱۲، ج ۲، ص ۲۸۶.

(۲) - رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۴۱/۱/۱۴، روزنامه کاخ دادگستری فرانسه، ۱۹۴۱، ج ۱، ص ۲۰۹.

(۳) - به نظر می‌رسد رویه قضایی فرانسه در این مورد دو نظر دارد. در بعضی از آراء محروم کردن مجنی‌علیه از طریق حیل

و فریب از تصرف برمال خود را کلاهبرداری دانسته است.

یا به دفعات مال تحصیل می‌کند. مانند فرد مشمول تأمین اجتماعی که در نتیجه اتخاذ صفت دروغی یا ارائه مدرک جعلی به طور مستمر مقرری معین را دریافت می‌کند. از نظر رویه قضایی فرانسه هر بار که فاعل در نتیجه فعل اصلی مالی را دریافت می‌کند مرور زمان را نسبت به دفعات قبلی قطع می‌کند، ولی مانع از رسیدگی به مجموع آنها در حالتی که اقدام جدیدی صورت بگیرد، نمی‌شود. بعضی از حقوقدانان معتقدند رویه قضائی کلاهبرداری را جرم مستمر دانسته است که با تسلیم مال به فاعل استمرار پیدا می‌کند. این نظر مستندی جز مقابله با اینگونه اعمال ندارد.^(۱)

ثانیاً: شروع به جرم:

قسمت اخیر ماده ۶۴۱ ق مجازات سوریه، شروع به کلاهبرداری را مانند سرقت و برخلاف خیانت در امانت قابل تعقیب دانسته است. این امر مستلزم آن است که زمان شروع عملیات اجرائی در جرم مذکور و تمیز آن از اعمال مقدماتی که قابل مجازات نیست، تعیین گردد.

از آنجا که فعل مجرمانه شامل مانورهای متقلبانه و تحصیل مال، هردو می‌شود؛ آیا مانورهای متقلبانه را برای تحقق شروع به جرم کافی بدانیم یا علاوه بر آن تسلیم بالفعل مال را هم باید لازم دانست؟

وقتی که به طریق مذکور قصد فاعل ثابت شد داعی او بی‌تأثیر است. لذا اگر به طور متقلبانه براموال مدیون مستولی شود تا معادل مال خود را که در ذمه او است تحصیل کند کلاهبردار است. همچنین اگر فاعل با اقدامات خود به هیچ وجه قصد جلب منفعت شخصی نداشته باشد و حتی هدفش تأمین مال برای یک فرد نیازمند یا انجام یک امر خیر باشد، کلاهبردار است. به این ترتیب بیان ارکان کلاهبرداری خاتمه می‌یابد و به بحث شرایط تعقیب آن می‌رسیم.

فصل دوم - شرایط تعقیب

اول - خصوصیت جرم:

۱- جرم فعل:

در بحث از روشهای فریب در کلاهبرداری توضیح دادیم که جرم مذکور، جرم فعل است که باید در آن فعل مثبت صورت گیرد. مجرد سکوت در مقابل یک واقعه یا اشتباه کافی نیست که بتوان آنرا جرم سلبی به حساب آورد.

۲- جرم آنی:

کلاهبرداری جرم آنی است و با تسلیم مال مورد نظر فاعل تحقق می‌یابد. تکیه بر عمل تسلیم به عنوان ضابطه‌ای برای زمان ارتکاب جرم دارای آثاری است که موضوع مشخص کردن مرور زمان در حالاتی است که فاعل در نتیجه عمل واحد و فعل اصلی به طور مستمر

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه، ۱۹۶۱/۳/۷ و ۱۹۶۳/۱۲/۳.

به کلاهبرداری به حساب آید، لازم است این مانورها متصف به شرط مذکور بوده، عملاً هدف آن تحصیل مال باشد ولو اینکه این نتیجه بالفعل تحقق نیابد. زیرا تحقق آن منجر به تحقق جرم تام می‌شود، نه شروع به جرم.

لذا رویه قضایی فرانسه براین اعتقاد است که ادعای شخص مبنی بر ورود خسارت به اتومبیل وی علیه شرکت بیمه‌کننده اتومبیل به قصد جبران خسارت، شروع به کلاهبرداری است؛ هرچند عملاً درخواست جبران خسارت از شرکت بیمه نکرده باشد. زیرا چنین درخواستی مستقیماً به جبران خسارت (نتیجه مجرمانه) منتهی می‌شود.^(۳) همچنین قماربازی با بزه‌دیده با ورقه جعلی به قصد محروم کردن وی از اموالش شروع به کلاهبرداری است^(۴) و نیز ارائه فاکتورهای معاینه‌های موهوم توسط پزشک به ادعای انجام آنها برای مطالبه حقش از شرکت بیمه^(۵) یا عمل شخصی که کالاهای معیوب را بارگیری می‌کند و در هنگام تسلیم شدن آنها به خریدار ادعا می‌کند که در اثنای انتقال معیوب شده‌اند و در نتیجه از انتقال‌دهنده مطالبه خسارت می‌کند؛^(۶) شروع به کلاهبرداری است. همچنین ادعای شرکت بیمه برای جبران

از آنجا که ماده ۴۰۵ ق. مجازات فرانسه در متن قدیم مقرر می‌داشت: «کلاهبرداری یا شروع کلاهبرداری کند»، دیوان کشور مانورهای متقلبانه را چیزی جز اعمال مقدماتی ندانسته، برای تحقق شروع به جرم تسلیم بالفعل مال را لازم دانسته است که با استیلا فاعل بر مال، جرم تام واقع می‌شود.^(۱) روشن است که این نظر با مفهوم کلاهبرداری مخالف است. زیرا تسلیم ناشی از مانورهای متقلبانه به مثابه استیلا فاعل بر اموال مجنی‌علیه است.^(۲) لذا مقنن تصمیم به اصلاح ماده مذکور گرفت و به عبارت «وادر کردن غیر برتسلیم مال» عبارت «شروع به تحصیل مال» را اضافه کرد. براساس رویه قضایی جدید فرانسه برای تحقق شروع به جرم لازم است انجام مانورهای متقلبانه به نحوی باشد که این اعمال به طور مستقیم منجر به تسلیم مال گردند. زیرا لازمه تکیه برتقلب به عنوان یکی از عناصر کلاهبرداری آن است که مؤثر باشد، یعنی عملاً منجر به تسلیم مال گردد. در صورتی که رابطه سببیت بین تقلب و تسلیم مال منتفی گردد، جرم مذکور فاقد ارکان لازم است. برای اینکه مانورهای متقلبانه به منزله شروع

(۱) - رأی هیأت عمومی دیوان کشور فرانسه ۱۸۳۸/۱۱/۲۹.

(۲) - کارو، جزء ششم، فقره ۳۷۵ و دنباله آن.

(۳) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۹۶۱/۱۲/۵.

(۴) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۹۳۸/۱۲/۲۰، دالوز، ۱۹۲۹، ص ۱۱۷.

(۵) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۹۱۹/۲/۲۰، سیریه، ۱۹۱۹، ج ۱، ص ۲۳۳.

(۶) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزاشی)، ۱۸۹۲/۵/۱۴، دالوز، ۱۸۹۳، ج ۱، ص ۲۷۱.

ثالثاً: شرکت در جرم:

شرکت در کلاهبرداری کثیرالوقوع است و مشاهده کردیم که مقنن تأیید ادعاهای دروغی مرتکب توسط شخص ثالث را تشکیل‌دهنده یکی از راههای مانورهای متقلبانه می‌داند. با این وجود مداخله دیگری در این فعل ممکن است با حسن نیت باشد و ثالث به صحت واقعه‌ای که آن را تأیید می‌کند معتقد باشد. به این خاطر باید علم شریک به عناصر تشکیل‌دهنده کلاهبرداری و سبق همکاری وی با فاعل اصلی برای تحقق این عناصر احراز گردد.

چهارم - معاذیر:

مرتکب کلاهبرداری از معاذیر مشترک میان این جرم وسرقت و خیانت در امانت مانند: هرگونه رابطه خویشاوندی و منافع و ضررهای قابل اغماض ناشی از جرم، برخوردار می‌شود.

فصل سوم - مجازات کلاهبرداری**اولاً - مجازات ساده:**

ماده ۶۴۲ مجازات کلاهبرداری را سه ماه تا دو سال حبس و ۵۰ تا ۵۰۰ لیره جزای نقدی تعیین کرده است. ماده ۶۵۵ مجازات تکمیلی را فقط در خصوص تکرار جرم مقرر کرده؛ اجرای آن را در اختیار قاضی قرار داده و آن عبارت است از انتشار حکم صادره در یک یا دو روزنامه که قاضی تعیین می‌کند.

خسارت ناشی از یک حادثه موهوم یا ارائه گزارش پزشکی خلاف واقع در پرونده دعوی، شروع به کلاهبرداری است.^(۱)

مشاهده می‌کنیم تعیین حدود شروع به کلاهبرداری به نحو مذکور منطبق با مقررات سوریه است. زیرا قواعد مذکور در ماده ۱۹۹، هنگامی که روشهای متقلبانه به‌طور مستقیم منجر به ارتکاب جرم، یعنی تسلیم مال شوند، را شروع به کلاهبرداری می‌داند.

با تحقق ارکان شروع به کلاهبرداری به نحو مذکور عمل مرتکب مشمول احکام مندرج در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ می‌شود. لذا هنگامی که فاعل قبل از اتمام فعل به طور اختیاری از تکمیل کردن آن منصرف می‌شود، در صورتی که اعمال او فی‌نفسه جرم مستقلی نباشد، از مجازات معاف است. اما در غیر این صورت مشمول مجازات اصلی جرم مذکور می‌شود و ممکن است از تخفیف مجازات به نحوی که در قانون تعیین شده است، برخوردار گردد. بدیهی است انصراف فاعل به واسطه شرایط و علل خارجی که ارتباطی با اراده او ندارد، انصراف ارادی تلقی نمی‌شود. چنانچه اگر احساس کند که نقشه‌اش برملا شده یا حيله‌اش بی‌نتیجه مانده و برای محکم‌کاری ترجیح دهد از ادامه اجرای نقشه‌اش منصرف شود، مشمول عفو از مجازات نخواهد شد.

(۱) - رأی دیوان کشور فرانسه (جزائی)، ۱۹۲۲/۷/۲۰، روزنامه کاخ دادگستری فرانسه، ۱۹۲۲، ج ۱، ص ۶۶۲.

ثانیاً - مجازات مشدد:

به موجب ماده ۶۴۸ در صورتیکه جرم به یکی از صور زیر انجام شود، مجازات مرتکب دو برابر می شود:

۱- ادعای انجام وظیفه عمومی یا کار در يك مؤسسه عمومی.

۲- درخواست مال از مردم جهت صدور سهام یا اسناد یا مدارك دیگر برای ایجاد يك شرکت یا اجرای يك طرح.

۱- ادعای انجام وظیفه عمومی.

علت تشدید مذکور در واقع تشکیل دهنده (جرم سوءاستفاده از موقعیت) است. چنانچه ماده ۲۴۷ چنین مقرر می دارد: «کسی که اجرت غیرضروری اخذ یا طلب کند... خواه برای خودش یا دیگری باشد، به قصد استخدام یا تهیه کار یا سعی در جهت استخدام و تهیه کار... در دولت یا یکی از مؤسسات عمومی... به دو ماه تا دو سال حبس و جزای نقدی حداقل دو برابر آنچه اخذ یا قبول کرده، محکوم می شود.» از آنجا که مجازات مضاعف مترتب بر کلاهبرداری در این حالت نسبت به مجازات (سوءاستفاده از موقعیت شغل دولتی) زیادتز است، طبق قواعد تعدد معنوی مجازات اشد (مجازات کلاهبرداری) اجراء می شود.

علت تشدید در این حالت آن است که فعل مجرمانه امور جاری مؤسسات عمومی و چهره کسانی که متصدی آن هستند را مخدوش کرده، تحت تأثیر قرار می دهد.

۲- دعوت عمومی برای ثبت نام جهت

سهام یا اسناد بهادار:

این مورد تشدید از قانونی که در تاریخ ۱۹۳۵/۸/۸ در اثر رسوائیها و بحرانهای مالی خطرناک در فرانسه به تصویب رسید، گرفته شده است که در بحث مانورهای متقلبانه به آن اشاره کردیم و آن عبارت از دعوت مردم برای ثبت نام جهت اسناد بهادار مذکور و ارتکاب جرم از طریق دعوت مذکور یا به سبب آن است.

آ - دعوت از عموم مردم برای ثبت نام جهت اسناد بهادار زمانی به عمل می آید که شرکت یا صاحب طرح برای جمع آوری سرمایه یا اموال لازم به رابطه شخصی خود با متمولین تکیه نکند. بلکه از طرق مختلف تبلیغاتی مانند دعوت نامه ها و تبلیغ در روزنامه ها و توسل به واسطه ها یا بانکها اقدام نماید.

ب - اسناد بهادار شامل اسناد مالی قابل مبادله می شود. مانند سهام تأسیس شرکت و اسناد یا حواله های صندوق و حتی اسناد تجاری؛ همچنین سهام یا اسنادی که قانون به صراحت بیان کرده است.

ج - ارتکاب جرم در حالت دعوت مذکور مستلزم به کاربردن یکی از مانورهای متقلبانه ای است که مقنن برای متقاعد کردن دیگری جهت خرید سند یا ثبت نام کردن برای آن تعیین کرده است. از قبیل تأسیس يك شرکت موهوم یا مبالغه کردن در بهای اموال عینی ارائه شده یا انتشار ترانزنامه های دروغی (با

تأیید این ادعاها از طرف دیگری یا اعتقاد بزه دیده به اینکه ادعاها از طرف دیگری تأیید شده است) و تبلیغ درخصوص تضمین‌های موهوم و توزیع سودهای موهوم یا به کاربردن صفت دروغی و الی‌آخر. لازم نیست که اعمال مذکور از جانب دارنده‌ی طرح یا شرکت یا نمایندگان شرکت یا عوامل آن انجام شود، بلکه کافی است که در هنگام دعوت مردم برای ثبت‌نام جهت سهام مذکور از طرف فاعل انجام شود (مانند اینکه از سوی بانک یا دلال برای مصلحت شخصی خود در معامله صورت گیرد.) ماده ۶۵۵ به قاضی اجازه داده است که دستور انتشار حکم در حالات مذکور را حتی در غیر مورد تکرار جرم صادر کند.